

رسمی جریده



پدې گڼه کښې

شماره فوق العاده به مناسبت

انتشار قانون اساسی افغانستان

پرله پسی گڼه (۱۲)

۱۳۴۳ هجری شمسی کال

شنبه د میزان (۱۱)

(۱۲) گڼه

لومړی کال

قانون اساسی افغانستان

توشیح پادشاه افغانستان

ما المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان مسوده قانون جدید افغانستان را که از طرف لویه جرگه ایکه از هژدهم تا بیست و هشتم ماه سنبله سال ۱۳۴۳ هـ ش در شهر کابل انعقاد یافت، تصویب گردیده بنام خداوند بزرگ توشیح میکنیم و سر از امروز آن را بحیث قانون اساسی افغانستان در تمام نقاط دولت نافذ اعلام می‌نماییم.

سر از امروز قانون اساسی را که از طرف لویه جرگه سال ۱۳۰۹ هـ ش تصویب گردیده و تاکنون در کشور نافذ بود با تمام ضمایم آن ملغی اعلام میداریم.

محمد ظاهر شاه

د افغانستان پادشاه

فهرست

دییبایچه

فصل اول دولت

فصل دوم پادشاه

فصل سوم حقوق و وظائف اساسی مردم

فصل چارم شوری

فصل پنجم لویه جرگه

فصل ششم حکومت

فصل هفتم قضاء

فصل هشتم اداره

فصل نهم حالت اضطرار

فصل دهم تعدیل

فصل یازدهم احکام انتقالی

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند توانا و دادگر

بمنظور تنظیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات زمان عصر و بر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگ ملی.

بمنظور تأمین عدالت و مساوات.

بمنظور تطبیق دموکراسی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی.

بمنظور تنظیم شئون و ارکان دولت برای تأمین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم عمومی.

بمنظور انکشاف متوازن تمام امور حیاتی افغانستان.

و در نهایت:

بمنظور تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ کرامت انسانی.

ما مردم افغانستان با درک تحولات تاریخی که در زندگانی ما بحیث یک ملت و یک جزء جامعه بشری بوقوع پیوسته، در حالیکه ارزش های فوق را حق همه جوامع بشری میدانیم، به قیادت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه و پیشوای زندگانی ملی افغانستان این قانون اساسی را برای خود و نسلهای آینده وضع کردیم.

فصل اول

دولت

ماده اول- افغانستان دولت پادشاهی مشروطه، مستقل واحد و غیر قابل تجزیه است.

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند.

بر هر فرد از افراد مذکور کلمه افغان اطلاق میشود.

ماده دوم- دین افغانستان دین مقدس اسلام است. شعار دینی از طرف دولت مطابق به احکام مذهب حنفی اجراء میگردد.

آن افراد ملت که پیرو دین اسلام نیستند در اجرای مراسم مذهبی خود در داخل حدودیکه قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین میکند، آزاد میباشند.

ماده سوم- از جمله زبانهای افغانستان پښتو و دری زبانهای رسمی میباشد.

ماده چهارم- بیرق افغانستان مرکب است از سه قطعه برنگهای سیاه، سرخ و سبز که بصورت عمودی به اندازههای مساوی از چپ به راست در کنار هم واقع شده. عرض مقدار هر رنگ معادل نصف طول آنست. در وسط نشان محراب و منبر برنگ سفید جا دارد که در گوشه آن دو بیرق نصب و از دو طرف به دو خوشه گندم احاطه شده است.

ماده پنجم- پایتخت افغانستان شهر کابل است.

فصل دوم

پادشاه

ماده ششم- در افغانستان پادشاه حاکمیت ملی را تمثیل میکند.

ماده هفتم- پادشاه حامی اساسات دین مقدس اسلام، حافظ استقلال و تمامیت ساحه، نگهبان قانون اساسی و مرکز وحدت ملی افغانستان میباشد.

ماده هشتم- پادشاه باید از تبعه افغانستان، مسلمان و پیرو مذهب حنفی باشد.

ماده نهم- پادشاه دارای حقوق و وظایف آتی میباشد:

۱- قیادت اعلاى اردوى افغانستان.

۲- اعلان حرب و متارکه.

۳- دایر کردن و افتتاح لویه جرگه.

۴- افتتاح اجلاس عادى شورى.

۵- دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شورى.

۶- منحل ساختن شورى و اصدار فرمان انتخابات مجدد.

انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه از تاریخ انحلال شورى انجام مییابد.

۷- توشیح قوانین و اعلام انفاذ آن.

۸- اصدار فرامین تقنینی.

۹- اعطای اعتبار نامه بغرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون.

۱۰- توشیح معاهدات بین الدول.

۱۱- تعیین صدر اعظم و قبول استعفاى او- تعیین وزراء به پیشنهاد صدر اعظم و قبول استعفاى آنها.

۱۲- تعیین اعضاى غیر انتخابى مشرانو جرگه و تعیین رئیس جرگه مذکور از جمله اعضاى آن.

۱۳- تعیین قاضى القضاات و اعضاى ستره محکمه.

۱۴- تعیین و تقاعد قضاات و تعیین و تقاعد مامورین و صاحب منصبان عالى رتبه مطابق به احکام قانون.

۱۵- تعیین سران نمایندگیهای سیاسى افغانستان نزد دول خارجى. تعیین نمایندگان دایمى افغانستان نزد موسسات بین المللى و قبول اعتماد نامه‌های نمایندگان سیاسى خارجى.

۱۶- اعلام حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن.

۱۷- تخفیف و عفو مجازات.

ماده دهم- سکه بنام پادشاه ضرب میشود.

ماده یازدهم- در خطبه‌ها نام پادشاه ذکر میگردد.

ماده دوازدهم- نشان از طرف پادشاه مطابق به احکام قانون اعطاء میشود.

اعطای نشان متضمن هیچ نوع امتیاز مادی نمیشود.

ماده سیزدهم- مصارف پادشاهی در بودجه دولت مطابق به قانون مصارف پادشاهی تعیین میگردد.

ماده چهاردهم- استفاده صلاحیت های مندرج این فصل در داخل حدودی صورت میگیرد که احکام این قانون اساسی تعیین نموده است.

ماده پانزدهم- پادشاه غیر مسئول و واجب الاحترام است و با حضور اعضای خانواده پادشاهی، حکومت و اعضای ستره محکمه در برابر جلسه مشترک هر دو جرگه شوری حلف آتی را بجا می‌آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای عظیم سوگند یاد میکنم که در کافه اعمال خود خداوند جل جلاله را حاضر دانسته، اساسات مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی را حراست، استقلال وطن، تمامیت ساحه، قوانین دولت و حقوق مردم را حفاظت کنم. و با استعانت از بارگاه پروردگار بر طبق احکام قانون اساسی افغانستان پادشاهی نمایم و مساعی خود را در راه سعادت و ترقی ملت افغانستان بکار برم.

ماده شانزدهم- پادشاهی افغانستان در خانواده اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بر حسب احکام این قانون اساسی انتقال مینماید.

ماده هفدهم- هر گاه پادشاه اراده استعفاء نماید به مجلس مرکب از رئیس اولسی جرگه، مشرانو جرگه، صدر اعظم، قاضی القضاات و وزیر دربار پادشاهی اطلاع داده بعد در خلال مدت هفت روز لویه جرگه را دائر میکند و استعفاءی خود را شخصاً یا توسط وزیر دربار به جرگه مذکور ابلاغ مینماید. در صورتیکه لویه جرگه تصدیق نماید که استعفاء از اراده پادشاه نشأت نموده از تاریخ تصدیق آن استعفاءی پادشاه نافذ شمرده میشود.

ماده هژدهم- در موقع استعفاء یا وفات پادشاه - پادشاهی به پسر بزرگش انتقال مینماید.

در صورتیکه پسر بزرگ پادشاه واجد شرایط پادشاهی که در این قانون اساسی ذکر گردیده نباشد پادشاهی به پسر دوم او و همچنان الی آخر انتقال میکند.

ماده نهم- هر گاه پادشاه وفات کند یا استعفاء بدهد و پسری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد، پادشاهی به بزرگترین برادر پادشاه انتقال مینماید. در صورتیکه بزرگترین برادر پادشاه واجد شرایط پادشاهی نباشد پادشاهی به برادریکه از نظر سن میان برادران بلا فاصله بعد از او واقع باشد و همچنان الی آخر انتقال می یابد.

در صورتیکه پادشاه برادری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد، جانشین پادشاه از جمله بازماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید انتخاب میگردد. در این حالت انتخاب پادشاه توسط مجلسی مرکب از لویه جرگه، حکومت و اعضای ستره محکمه صورت میگیرد. این مجلس در صورت وفات در خلال مدت پانزده روز از تاریخ وفات و در صورت استعفاء در خلال مدت هفت روز از تاریخ نفاذ آن از طرف صدر اعظم دائر میشود. تصمیم این مجلس به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ میگردد و بعد از موافقت شخصی که بحیث پادشاه انتخاب شده نافذ شمرده میشود.

از تاریخ وفات پادشاه با نفاذ استعفاء او تا انتخاب جانشین پادشاه، وزیر دربار نائب پادشاه شناخته میشود.

ماده بیستم- هنگامیکه پادشاه اراده سفر بخارج مملکت بنماید یک یا چند نفر را به حیث وکیل خود تعیین میکند. شخص یا اشخاص مذکور در غیاب پادشاه بوكالت از او امور پادشاهی را در حدود صلاحیتی که از طرف پادشاه به او داده میشود بر طبق احکام این قانون اساسی اجرا مینماید.

اشخاص ذیل بحیث وکیل تعین نمیشوند:

۱- صدر اعظم.

۲- رئیس اولسی جرگه.

۳- رئیس مشرانو جرگه.

۴- قاضی القضاات.

ماده بیست و یکم- هر گاه پادشاه وفات کند و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد تا موقعیکه سن مذکور را تکمیل میکند ملکه نیابت پادشاه را به عهده میگیرد. در صورتیکه ملکه وجود نداشته باشد مجلسیکه در ماده (نهم) ذکر گردید شخصی را از جمله بازماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید به حیث نائب پادشاه انتخاب میکنند.

ماده بیست و دوم- هر گاه پادشاه استعفاء نماید و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد تا موقعی که سن مذکور را تکمیل میکند، مجلسیکه در ماده نهم ذکر گردیده شخصی را از جمله بازماندگان پسر ی اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بحیث پادشاه انتخاب مینماید.

ماده بیست و سوم- نائب و وکیل پادشاه باید واجد شرایط مندرج ماده هشتم باشد.

نائب پادشاه امور پادشاهی را بر طبق احکام این قانون اساسی اجرا میکند.

در صورتیکه ملکه نیابت پادشاه را بعهدہ داشته باشد از صلاحیت مندرج فقره دوم و ماده نهم به مشورہ حکومت استفاده میکند.

نائب پادشاه نمیتواند در مدت تصدی این عهده به مشاغل دیگر اشتغال ورزد.

شخصیکه بر حسب احکام مواد بیست و یکم و بیست و دوم این قانون اساسی به صفت نائب پادشاه تعیین میگردد هیچگاه بحیث پادشاه افغانستان انتخاب نمیشود.

در دوره نیابت پادشاهی مواد مربوط به جانشین فصل پادشاه این قانون اساسی تعدیل نمیشود.

ماده بیست و چهارم- پسر و دختر و برادر و خواهر پادشاه و ازواج و زوجات و ابناء و بنات شان و عم و ابنای عم پادشاه خانواده پادشاهی را تشکیل میدهند.

در تشریفات رسمی دولت خانواده پادشاهی بعد از پادشاه و ملکه اخذ موقع می‌نماید.

مصارف خانواده شاهی در بودجه مصاف پادشاهی تعیین میشود.

القاب مختص به خانواده پادشاهی میباشد و مطابق به احکام قانون تعیین میگردد.

اعضای خانواده پادشاهی در احزاب سیاسی شمولیت نمیورزند و وظایف آتی را احرار نمیکند:

۱- صدارت عظمی و وزارت.

۲- عضویت شوری.

۳- عضویت ستره محکمہ.

اعضای خانواده پادشاهی حیثیت خود را بصفت عضو خانواده پادشاهی مادام الحیات حفظ میکنند.

فصل سوم

حقوق و وظائف اساسی مردم

ماده بیست و پنجم- تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون حقوق و وظائف مساوی دارند.

ماده بیست و ششم- آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و منافع عامه که توسط قانون تنظیم میگردد حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است و انفکاک نمی پذیرد. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف میباشد.

هیچ عملی جرم شمرده نمیشود مگر به موجب قانونیکه قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچکس را نمیتوان مجازات نمود مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت که بعد از محاکمه علنی و حضوری صادر گردیده باشد.

هیچکس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونیکه قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

هیچکس را نمیتوان تعقیب یا گرفتار نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچکس را نمیتوان توقیف نمود مگر بر طبق حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون.

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه محکوم علیه قرار نگیرد بیگناه شناخته میشود.

جرم یک امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزاء بر او به شخص دیگری سرایت نمیکند.

تعذیب انسان جواز ندارد. هیچکس نمیتواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزاء باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر دهد.

تعیین جزائیکه مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد.

اظهاریکه از متهم یا شخص دیگر بوسیله اکراه بدست آورده شود اعتبار ندارد.

اقرار بجرم عبارتست از اعترافی که متهم برضای کامل در حالت صحت عقل به ارتکاب جرمیکه قانوناً باو نسبت داده شده در حضور محکمه با صلاحیت مینماید.

هر شخص حق دارد برای دفع اتهامی که قانوناً باو متوجه شده وکیل مدافع تعیین کند.

مدیون بودن یک شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی مدیون شده نمیتواند. طرز و وسائل تحصیل دین توسط قانون تنظیم میگردد.

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه دولت خود سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است. همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون بخارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.

هیچ افغان به تبعید در داخل افغانستان و خارج از افغانستان محکوم نمیشود.

ماده بیست و هفتم- هیچ افغان به علت اتهام به یک جرم به دولت خارجی سپرده نمیشود.

ماده بیست و هشتم- مسکن شخصی از تعرض مصون است. هیچکس به شمول دولت نمیتواند بدون اجازه ساکن یا حکم محکمه با صلاحیت و بغیر از حالات و طریقه در قانون تصریح شده به مسکن کسی داخل شود یا آنرا تفتیش نماید.

در موارد جرم مشهود مامور مسئول میتواند به مسکن شخص بدون اجازه او یا اجازه قبلی محکمه به مسئولیت خود داخل شود یا آنرا تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از دخول یا اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند فیصله محکمه را حاصل نماید.

ماده بیست و نهم- ملکیت از تعرض مصون است.

ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمیشود.

استملاک ملکیت شخص تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه بموجب قانون مجاز میباشد.

هیچکس از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمیشود مگر در حدود قانون. طرز استملاک ملکیت به منظور تأمین منافع عامه توسط قانون تنظیم و رهنمونی میشود.

تفتیش و اعلان دارائی شخص تنها بحکم قانون صورت میگیرد.

دول و اتباع خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری ندارند. فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی بر اساس رویه بالمثل و به موسسات بین المللی ای که دولت افغانستان عضو آن باشد بعد از موافقه حکومت مجاز میباشد.

ماده سیم- آزادی و حریمت مخابرات اشخاص چه بصورت مکتوب باشد و چه بوسیله تلفون و تلگراف و یا وسائل دیگر از تعرض مصون است.

دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد مگر به موجب فیصله محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون.

در حالات عاجل - که در قانون تعریف میگردد مامور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه بمسئولیت خود به تفتیش مخابرات اقدام کند. مامور مذکور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند فیصله محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و یکم- آزادی فکر و بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را بوسیله گفتار، نوشته، تصویر یا امثال آن مطابق باحکام قانون اظهار کند.

هر افغان حق دارد مطابق باحکام قانون به طبع و نشر مطالب بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی بپردازد.

اجازه و امتیاز تأسیس مطابع عمومی و نشر مطبوعات تنها باتباع دولت افغانستان مطابق باحکام قانون داده میشود.

تأسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص بدولت است.

ماده سی و دوم- اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح امیز بدون حمل سلاح مطابق به احکام قانون بدون اجازه قبلی دولت اجتماع نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند بمنظور تأمین مقاصد مادی یا معنوی مطابق به احکام قانون جمعیت ها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون احزاب سیاسی تشکیل دهند مشروط بر اینکه:

۱- هدف و فعالیت حزب و مفکوره‌هائیکه تشکیلات احزاب روی آن بناء شده مناقض ارزش های مندرج این قانون اساسی نباشد.

۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد.

حزبیکه مطابق به احکام قانون تشکیل می‌یابد بدون موجبات قانونی و حکم ستره محکمه منحل نمیشود.

ماده سی و سوم- هر شخصی که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خسارت میباشد و میتواند برای حصول آن در محکمه دعوی اقامه کند.

دولت نمیتواند بجز در حالاتیکه قانون تصریح میکند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده سی و چهارم- تعلیم حق تمام افراد افغانستان است و بصورت مجانی از طرف دولت و اتباع افغانستان فراهم میشود. هدف دولت در این ساحه رسیدن به مرحله ایست که در آن تسهیلات مناسب تعلیم و تربیه برای همه افراد افغانستان مطابق به احکام قانون فراهم گردد.

دولت مکلف است برای تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان پروگرام موثری وضع و تطبیق نماید.

رهنمونی و نظارت تعلیم و تربیه وظیفه دولت است.

تعلیمات ابتدائی برای تمام اطفال در نقاطی که وسائل آن از طرف دولت تهیه شده حتمی است.

تأسیس و اداره مؤسسات تعلیم عالی و عمومی تنها حق و وظیفه دولت است. در خارج این ساحه اتباع افغانستان حق دارند مکاتب اختصاصی و سواد آموزی تأسیس نمایند.

شروط تأسیس، نصاب تعلیم و شرایط تحصیل در چنین مکاتب توسط قانون تنظیم میگردد.

حکومت میتواند مطابق به احکام قانون باشخاص خارجی اجازه تأسیس مکاتب خصوصی بدهد. از این مکاتب تنها اشخاص خارجی میتوانند استفاده کنند.

ماده سی و پنجم- دولت موظف است پروگرام موثری برای انکشاف و تقویه زبان ملی پښتو وضع و تطبیق کند.

ماده سی و ششم- دولت موظف است در حدود توان خود وسائل وقایه از امراض و علاج آنرا بصورت متوازن برای همه افغان ها تهیه کند. هدف دولت درین ساحه رسیدن به مرحله ایست که در آن تسهیلات صحی مناسب برای تمام افراد افغانستان فراهم گردد.

ماده سی و هفتم- کار حق و فریضه هر افغانیست که قدرت اجرای آنرا داشته باشد.

هدف عمده قوانینی که برای تنظیم کار وضع میگردد رسیدن به مرحله ایست که در آن حقوق و منافع اصناف کارگران حمایت شود. شرایط مساعد کار فراهم گردد، روابط بین کارگران و کارفرمایان بصورت عادلانه و متریقی تنظیم یابد.

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و بموجب احکام قانون بخدمت دولت پذیرفته میشوند.

انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطیکه قانون تعیین مینماید آزاد میباشد.

تحمیل کار اجباری اگر چه برای دولت باشد جواز ندارد تحریم کار اجباری مانع تطبیق قوانینی نمیشود که بمنظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تأمین منافع عامه وضع میگردد.

ماده سی و هشتم- هر افغان مکلف است به دولت مالیه و محصول تادیه کند. هیچ نوع محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمیشود.

اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن با رعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین میگردد. این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق میشود.

ماده سی و نهم- دفاع از وطن وظیفه مقدس تمام اتباع افغانستان است

کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت عسکری مطابق به احکام قانون مکلف میباشند.

ماده چهل- پیروی از احکام قانون اساسی، وفاداری و احترام به پادشاه، اطاعت به قوانین، رعایت نظم و امن عامه، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی وظیفه تمام مردم افغانستان میباشد.

فصل چهارم

شوری

ماده چهل و یکم- شوری افغانستان مظهر اراده مردم آنست و از قاطبه ملت نمایندگی میکند.

مردم افغانستان به توسط شوری در حیات سیاسی مملکت سهم میگیرند. هر عضو شوری در حالیکه از یک حوزه معین انتخاب شده در موقع اظهار رای مصالح عمومی افغانستان را مدار قضاوت خود قرار میدهد.

ماده چهل و دوم- شوری دارای دو مجلس میباشد: اولسی جرگه و مشرانو جرگه.

ماده چهل و سوم- اعضای ولسی جرگه توسط انتخابات آزاد - عمومی - سری و مستقیم مطابق باحکام قانون از طرف مردم انتخاب میشود. افغانستان باین منظور به حوزههای انتخابی تقسیم میگردد. تعداد و ساحه حوزه ها توسط قانون تعیین میشود. از هر حوزه یک نفر وکیل انتخاب میگردد. داوطلبی که در حوزه خود مطابق به احکام قانون رای بیشتر حاصل میکند وکیل شناخته میشود.

ماده چهل و چهارم- اعضای ولسی جرگه برای مدت ۴ سال که یک دوره تقنینیه است انتخاب میشوند هر گاه شوری مطابق به احکام این قانون اساسی منحل شود ولسی جرگه جدید برای یک دوره تقنینیه انتخاب میگردد. ولی تاریخ ختم آن طوری تنظیم می شود که جرگه ما بعد بتاریخیکه در ماده پنجا و نهم تثبیت گردیده افتتاح شود.

ماده چهل و پنجم- اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل تعیین و انتخاب میشوند:

۱- یک ثلث اعضاء از جمله افراد خبیر و با تجربه برای مدت پنج سال از طرف پادشاه تعیین میشوند.

۲- دو ثلث دیگر اعضاء بر حسب آتی انتخاب میشوند:

الف- هر جرگه ولایت یک نفر از جمله اعضاء خود را برای مدت سه سال بعضویت مشرانو جرگه انتخاب میکند.

ب- ساکنین هر ولایت یک نفر را از طریق انتخاب - آزاد عمومی - سری و مستقیم برای مدت چار سال بعضویت مشرانو جرگه انتخاب میکنند.

ماده چهل و ششم- شرایط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعیین میگردد. اشخاصیکه بعضویت شوری تعیین یا انتخاب میشوند باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل باشند:

۱- اقلاً ده سال قبل از تاریخ تعیین یا انتخاب تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشند.

۲- بعد از نفاذ این قانون اساسی از طرف محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشند.

۳- خواندن و نوشتن بدانند.

۴- اعضاء ولسی جرگه باید سن بیست و پنج را در موقع انتخاب و اعضاء مشرانو جرگه سن سی را در موقع تعیین یا انتخاب تکمیل کرده باشند.

ماده چهل و هفتم- رئیس و اعضاء حکومت، قضاوت، صاحب منصبان و افراد اردو، مامورین و دیگر کارکنان اداری نمیتوانند در هنگام تصدی وظیفه بعضویت شوری تعیین یا انتخاب شوند.

ماده چهل و هشتم- هیچکس نمیتواند در یک وقت عضو هر دو جرگه باشد.

ماده چهل و نهم- با رعایت احکام این قانون اساسی انتخابات مطابق به احکام قانون صورت میپذیرد.

پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات در دو سال اخیر دوره تقنینیه ولسی جرگه در فهرست کار هیچ یک از دو جرگه داخل شده نمیتواند.

ماده پنجاهم- وثایق عضویت در هر جرگه توسط خود جرگه تدقیق میگردد.

طرز تدقیق وثایق در اصول وظایف داخل هر جرگه تعیین میشود.

ماده پنجاه و یکم- هیچ عضو شوری به علت رای یا نظریه ایکه هنگام اجرای وظیفه در داخل شوری یا خارج از آن ابراز میدارد مورد تعقیب عدلی قرار نمیگیرد.

هر گاه یک عضو شوری به جرمی متهم شود - مأمور مسئول از موضوع به جرگه‌ایکه متهم عضو آنست اطلاع میدهد و بعد از آنکه جرگه مذکور باکثريت دو ثلث اعضاء اجازه بدهد متهم تحت تعقيب عدلی قرار میگیرد، جرگه میتواند اجازه خود را به اکثریت دو ثلث اعضاء مسترد نماید.

در مورد جرم مشهود مامور مسئول میتواند متهم را بدون اجازه جرگه‌ایکه او عضو آن میباشد تحت تعقيب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

هر گاه تعقيب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند مامور مسئول مکلف است موضوع را بلا فاصله باطلاع جرگه مربوطه برساند و در صورتیکه جرگه مذکور اجازه بدهد متهم توقیف شده میتواند. در صورتیکه اتهام در هنگام تعطیل جرگه صورت بگیرد اجازه توقیف از هیئت اداری جرگه حاصل میگردد. فیصله هیئت به نخستین جلسه آینده جرگه جهت اخذ تصمیم ارائه میشود.

ماده پنجاه و دوم- اعضای شوری نمیتوانند به شغل دیگری اشتغال ورزند.

این حکم شامل زراعت و دیگر مشاغل آزاد نمیشود.

ماده پنجاه و سوم- برای اعضای شوری معاش مناسب مطابق به احکام قانون تعیین میگردد.

ماده پنجاه و چهارم- هر عضو شوری حق دارد در جرگه مربوطه خود در موضوع مورد مباحثه نظریه خود را مطابق به اصول وظایف داخلی اظهار کند.

ماده پنجاه و پنجم- هر دو جرگه در وقت واحد به صورت جداگانه اجلاس میکنند.

مشرانو جرگه میتواند برای مطالعه طرح بودجه دولت در مدت تعطیل اولسی جرگه جلسه فوق العاده خود را دایر کند.

در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف پادشاه افتتاح میگردد جلسه مشترک هر دو جرگه دایر میشود.

ماده پنجاه و ششم- حکومت میتواند در جلسات هر یک از دو جرگه اشتراک ورزد.

هر جرگه میتواند حضور رئیس یا اعضای حکومت را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده پنجاه و هفتم- مباحثه جلسات هر دو جرگه علنی میباشد. مگر اینکه رئیس حکومت - رئیس جرگه یا اقلأ ده نفر از اعضا سري بودن آنرا درخواست نمایند و جرگه این درخواست را بپذیرد جرگه میتواند باکثريت دو ثلث اعضا مباحثه‌ایرا که بطور سري صورت گرفته دوباره علنی بسازد.

جریان مباحثه هر دو جرگه ثبت میگردد.

هیچکس نمیتواند عفاً به مقر شوری داخل شود. متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات میشوند.

ماده پنجاه و هشتم- جز در موردیکه حکم آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم هر جرگه باکثرت آراءى اعضاى حاضر اتخاذ میگردد.

ماده پنجاه و نهم- هر جرگه در هر سال یک اجلاس عادى دائر میکنند که بتاریخ بیست و دوم میزان آغاز میگردد تعداد اجلاس سالانه توسط قانون تزئید شده میتواند. درینصورت تاریخ آغاز اجلاس و مدت آن توسط قانون تنظیم میگردد.

مدت کار هر جرگه در هر سال هفت ماه است. در صورت ایجاب کار هر جرگه میتواند این مدت را تمدید نماید.

در هنگام تعطیل بامر پادشاه، بدرخواست حکومت یا رئیس یکی از دو جرگه یا یک خمس از اعضاى آن اجلاس فوق العاده شوری دائر میشود.

جلسه فوق العاده توسط فرمان پادشاهی که بعد از مشوره با روسای دو جرگه صدور می یابد ختم میگردد.

ماده شصتم- رئیس مشرانو جرگه از بین اعضاى آن از طرف پادشاه تعیین میشود.

ولسى جرگه از بین اعضاى خود یکنفر را بحیث رئیس انتخاب میکند. هر جرگه از بین اعضاى خود یکنفر نائب اول رئیس یک نفر نائب دوم رئیس یک نفر منشی و یک نفر نائب منشی انتخاب میکند.

اشخاص فوق هیئت ادارى جرگه را تشکیل میدهند.

هیئت ادارى اولسى جرگه در آغاز دوره تقنینیه انتخاب میشود. نایبان رئیس، منشی و نائب منشی مشرانو جرگه در آغاز اجلاس سالانه برای مدت یک سال انتخاب میگردد.

رئیس هر جرگه مباحثه جرگه مذکور را اداره مینماید. و برای برقراری نظم و امنیت در مقر جرگه تدابیر لازم اتخاذ میکند. سائر وظائف رئیس در اصول وظائف داخلی تعیین میگردد. در غیاب رئیس نائب اول و در غیاب نائب اول نائب دوم وظیفه رئیس را اجراء میکند.

منشی هر جرگه مباحثات آنرا ثبت میکند و امور دارالانشاء جرگه را سرپرستی مینماید. در غیاب منشی نائب منشی وظیفه او را اجراء میکند.

ماده شصت و یکم- هر جرگه برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث بر طبق احکام اصول وظائف داخلی، انجمن ها تعیین مینماید.

ماده شصت و دوم- هر جرگه اصول وظائف داخلی خود را وضع مینماید.

ماده شصت و سوم- شوری میتواند به امر پادشاه منحل شود. انحلال شوری در حالت مندرج ماده یکصد و بیست یکم حتمی است.

انحلال شوری شامل اعضای غیر انتخابی مشرانو جرگه نیز میباشد.

ماده شصت و چهارم- شوری برای تنظیم امور حیاتی افغانستان مطابق به احکام این قانون اساسی قوانین وضع میکند. هیچ قانون نمیتواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد.

تصدیق معاهدات بین الدول، فرستادن قطعات اردوی افغانستان به خارج، اعطای امتیازات دارای اهمیت در اقتصاد ملی بشمول انحصار، اجازه نشر پول و اخذ قرضه از صلاحیت شوری میباشد. امتیازاتیکه اعطای آن از صلاحیت شوری میباشد توسط قانون تعیین میگردد.

ماده شصت و پنجم- حکومت نزد اولسی جرگه مسئول میباشد.

ماده شصت و ششم- اعضای اولسی جرگه میتواند از حکومت استیضاح نمایند. مباحثه در مورد توضیحی که از طرف حکومت داده میشود به تصمیم جرگه منوط میباشد.

ماده شصت و هفتم- اعضای شوری میتوانند از صدر اعظم یا وزراء در موضوعات معین سوال بنمایند.

اشخاصیکه از آنها سوال به عمل آمده مکلف اند جواب شفوی یا تحریری بدهند. این جواب مورد مباحثه قرار نمی گیرد.

ماده شصت و هشتم- ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث از اعضای خود جهت تحقیق و مطالعه اعمال حکومت و اجراءات اداره انجمن تحقیق تعیین نماید.

ترکیب و طرز العمل انجمن در اصول وظائف داخلی تثبیت میگردد.

ماده شصت و نهم- باستثنای حالاتیکه برای آن طرز عمل خاصی در این قانون اساسی تصریح گردیده. قانون عبارتست از مصوبه موافق هر دو جرگه که به توشیح پادشاه رسیده باشد. در ساحه ایکه چنین مصوبه موجود نباشد قانون عبارتست از احکام فقه حنفی شریعت اسلام.

ماده هفتادم- پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا اعضای شوری و در ساحه تنظیم امور قضائی از طرف ستره محکمه صورت گرفته میتواند. پیشنهاد وضع قانون در مورد بودجه و امور مالی تنها از طرف حکومت صورت میگیرد.

ماده هفتاد و یکم- پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا ستره محکمه به هر یک از دو جرگه تقدیم شده میتواند.

ماده هفتاد و دوم- هر گاه پیشنهاد وضع قانون از طرف اعضای یکی از دو جرگه صورت بگیرد بعد از تائید ده نفر از اعضای جرگه ایکه پیشنهاد به آن ارائه شده در فهرست کار داخل میگردد.

هر گاه پیشنهاد وضع قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیض در عایدات دولت باشد بشرطی در فهرست کار داخل میشود که در متن پیشنهاد مدرک جبران، پیش بینی شده باشد این حکم بر پیشنهاد وضع قانون از طرف ستره محکمه تطبیق نمیشود.

ماده هفتاد و سوم- وقتی پیشنهاد وضع قانون در فهرست کار یکی از دو جرگه داخل گردید نخست به انجمن مربوط محول میگردد و بعد از آنکه انجمن نظر خود را در باره آن ابراز کرد طرح قانون با نظریه انجمن در جرگه قرائت شده بحث روی آن صورت میگیرد. بعد در مورد هر ماده رأی گرفته میشود و سپس طرح بار دوم قرائت شده در باره رد یا تصویب آن به صورت یک کل رأی گرفته میشود.

ماده هفتاد و چهارم- هر گاه تصویب یک جرگه از طرف جرگه دیگر رد شود برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو جرگه مطابق به احکام قانون دائر میگردد.

فیصله هیئت بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده میشود. در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند تصویب رد شده به حساب میرود هر گاه تصویب از طرف ولسی جرگه بعمل آمده باشد دوره تقنینیه جدید ولسی جرگه میتواند آنرا باکثرت آراء اعضای تصویب کند این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده میشود.

هر گاه اختلاف دو جرگه در مورد طرح قوانین مالی باشد در صورتیکه هیئت مختلط به حل آن موفق نشود ولسی جرگه میتواند در اجلاس مابعد طرح مذکور را باکثرت آراء اعضای تصویب نماید. طرح بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه قانونی شمرده میشود.

ماده هفتاد و پنجم- بودجه دولت از طریق مشرانو جرگه و توأم با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم میشود. رئیس ولسی جرگه بودجه و نظریات مشرانو جرگه را به انجمن مربوط تقویض میکند. بعد بودجه با نظریات انجمن مربوط در ولسی جرگه مطالعه میشود و در باره آن تصمیم اتخاذ میگردد. این تصمیم بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده میشود. این حکم در مورد مذاکرات ولسی جرگه راجع به پلان انکشافی حکومت نیز تطبیق می گردد.

هرگاه نظر به عللی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد تا تصویب بودجه سال جدید بودجه سال گذشته تطبیق میشود.

حکومت مکلف است اقلأ یک ماه قبل از تقدیم طرح بودجه حساب قطعی بودجه یک سال قبل را به ولسی جرگه تقدیم کند.

ماده هفتاد و ششم- هرگاه مشرانو جرگه فیصله خود را در مورد مصوبه ولسی جرگه در خلال مدت شش ماه از تاریخ وصول آن صادر نکند مصوبه مذکور قبول شده به شمار میرود. در سنجش این مدت دوره تعطیل بحساب گرفته نمیشود.

ماده هفتاد و هفتم- در هنگام تعطیل یا انحلال شوری حکومت میتواند در ساحه مذکور فقره اول ماده شصت و چارم برای تنظیم امور عاجل فرامین تقنینی ترتیب کند. این فرامین بعد از توشیح پادشاه حکم قانون را حائز میشود.

فرامین تقنینی باید در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شوری به شوری تقدیم گردد و در صورتیکه از طرف شوری رد شود از اعتبار ساقط میگردد.

فصل پنجم

لویه جرگه

ماده هفتاد و هشتم- لویه جرگه مرکب است از اعضای شوری و روسای جرگه های ولایات.

در حالت انحلال شوری اعضای آن حیثیت خود را به صفت اعضای لویه جرگه تا دایر شدن شوری جدید حفظ میکنند.

ماده هفتاد و نهم- با رعایت احکام مواد نوزدهم، بیست و یکم و بیست و دوم لویه جرگه توسط فرمان پادشاهی دایر میشود.

ماده هشتادم- در هنگام دایر بودن لویه جرگه حکم ماده پنجاه و یکم در مورد اعضای آن تطبیق میگردد.

ماده هشتاد و یکم- مباحثه لویه جرگه علنی میباشد مگر اینکه حکومت یا بیست نفر از اعضاء سری بودن آن را درخواست نماید و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

ماده هشتاد و دوم- رئیس ولسی جرگه و در غیاب او رئیس مشرانو جرگه از جلسات لویه جرگه ریاست میکند.

لویه جرگه در اولین جلسه یک نفر را از بین اعضای خود به حیث منشی انتخاب میکند.

ماده هشتاد و سوم- جز در موردی که حکم آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم لویه جرگه باکثرت آرای اعضاء حاضر اتخاذ میگردد.

با رعایت احکام این قانون اساسی، طرز العمل لویه جرگه توسط قانون تنظیم میشود.

ماده هشتاد و چهارم- لویه جرگه دارای صلاحیتهائی میباشد که در این قانون اساسی تعیین گردیده است.

فصل ششم

حکومت

ماده هشتاد و پنجم- حکومت افغانستان متشکل است از صدر اعظم و وزراء. صدر اعظم رئیس و وزراء اعضای حکومت میباشند.

تعداد وزراء و وظائف شان توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده هشتاد و ششم- هر شخصیکه بر طبق احکام این قانون اساسی اهلیت انتخاب شدن را به عضویت اولسی جرگه دارا باشد میتواند به حیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود.

رئیس حکومت باید افغان تولد شده باشد. رئیس و اعضای حکومت میتوانند از اعضای شوری یا خارج از آن تعیین شوند. هر عضو شوری که بحیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود عضویت خود را در شوری از دست میدهد.

ماده هشتاد و هفتم- صدر اعظم و وزراء نمیتوانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگر اشتغال ورزند.

ماده هشتاد و هشتم- برای رئیس و اعضای حکومت معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد.

ماده هشتاد و نهم- حکومت توسط شخصیکه از طرف پادشاه به حیث صدر اعظم موظف شده تشکیل میگردد.

اعضا و خط مشی حکومت توسط صدر اعظم به اولسی جرگه معرفی میشود و جرگه پس از مباحثه راجع به اعتماد بر حکومت تصمیم میگیرد. در صورت صدور رأی اعتماد فرمان پادشاهی راجع به تعیین رئیس و اعضای حکومت صادر میگردد.

سپس صدر اعظم خط مشی حکومت را به مشرانو جرگه معرفی مینماید.

ماده نودم- هرگاه حکومت به علت فوت یا استعفای صدر اعظم در هنگام انحلال شوری از بین برود حکومت جدید بفرمان پادشاه تعیین میشود. در آغاز دوره تقنینیه جدید صدر اعظم اعضای حکومت و خط مشی انرا به ولسی جرگه معرفی و رأی اعتماد مطالبه میکند.

ماده نود و یکم- حکومت در احوال آتی از بین میرود:

۱- در حالت استعفاء یا فوت صدر اعظم

۲- در حالت سلب اعتماد اولسی جرگه از حکومت.

۳- در حالت اتهام رئیس یا تمام اعضای حکومت بجرم خیانت ملی مطابق به حکم ماده نود و سوم.

۴- در حالت انحلال شوری.

۵- در حالت ختم دوره تقنینیه.

در دو حالت اخیر حکومت توام با اولین جلسه لوی جرگه از بین می رود .

در حالت استعفای صدر اعظم پس از منظوری استعفاء از طرف پادشاه حکومت از بین می‌رود:

در صورت فوت صدر اعظم یک نفر از وزراء بامر پادشاه وظائف صدراعظم را تا تشکیل حکومت جدید اجراء میکند.

در صورت که حکومت به علت اتهام بجرم خیانت ملی مطابق بحکم ماده نود و سوم از بین برود شخصیکه از طرف پادشاه بحیث صدراعظم تعیین میشود میتواند تا اولین جلسه ولسی جرگه به تعقیب تصمیم لویه جرگه در مورد اتهام مذکور - قبل از حصول رأی اعتماد وظائف صدراعظم را اجراء نماید.

در سائر احوال حکومتیکه از بین رفته تا تشکیل حکومت جدید بوظیفه خود دوام میدهد.

ماده نود و دوم- رأی سلب اعتماد از حکومت باید صریح و مستقیم باشد این رای در مورد حکومتیکه در خلال دو دوره تقنینی اول به تعقیب نفاذ این قانون اساسی بوجود می آیند به اکثریت دو ثلث آراء و در مورد حکومت های ما بعد به اکثریت آرای اعضای اولسی جرگه صادر می گردد.

ماده نود و سوم- هرگاه بیش از یک ثلث اعضای اولسی جرگه محاکمه صدراعظم یا تمام یا اکثر اعضای حکومت را بر اساس اتهام بجرم خیانت ملی تقاضا نماید و اولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث اعضا تصویب کند حکومت سقوط مینماید و لویه جرگه برای تعیین هیئت تحقیق دایر میگردد. اگر بعد از مطالعه راپور هیئت لویه جرگه بااکثریت دو ثلث اعضا اجرای محاکمه را لازم بداند یکنفر از اعضای اولسی جرگه را موظف مینماید تا علیه متهم در ستره محاکمه دعوی اقامه کند.

حکم فقره فوق در حالتی نیز تطبیق میشود که اتهام خیانت ملی به یک یا چند نفر وزیر که تعداد شان از نصف اعضای حکومت بیشتر نباشد متوجه گردد. در نتیجه این اتهام متهم از وظیفه سبکدوش میشود ولی حکومت سقوط نمی کند.

ماده نود و چهارم- تعمیم احکام این قانون اساسی و تمام قوانین، تعمیم فیصله های قطعی محاکم، اتخاذ تدابیر لازم جهت برقراری نظم و امن عامه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارائی عامه انکشاف وضع اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی مردم، حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ساحه، صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین المللی وظیفه حکومت میباشد.

حکومت برای تنظیم وظائف خود بر اساس قوانین مقررات وضع میکند. این مقررات باید مناقص نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده نود و پنجم- مجلس وزراء خطوط اساسی سیاست حکومت را تعیین میکند و مقرراتی را که وضع آن از صلاحیت حکومت میباشد تصویب مینماید.

صدراعظم از مجلس وزراء ریاست می نماید، فعالیت حکومت را اداره و رهنمونی میکند و در اجراءات آن هم آهنگی را تأمین مینماید.

حفظ رابطه حکومت با پادشاه و شوری نیز وظیفه صدراعظم میباشد.

وزراء وظائف خود را بحیث امرین واحد های اداری و بحیث اعضای حکومت تحت امر و رهنمائی صدراعظم در داخل حدودیکه این قانون اساسی و قوانین تعیین میکند اجرا مینماید.

ماده نود و ششم- صدراعظم و وزرا از سیاست عمومی حکومت مشترکاً و از وظائف مشخصه خود منفرداً نزد اولسی جرگه مسئولیت دارند.

صدراعظم و وزرا از آن اعمال حکومت که در باره آن بر طبق احکام این قانون اساسی فرمان پادشاهی را حاصل میکنند. نیز مسئول میباشد.

فصل هفتم

قضاء

ماده نود و هفتم- قوه قضائیه یک رکن مستقل دولت است و وظائف خود را در ردیف قوه مقننه و قوه اجرائیه انجام میدهد.

ماده نود و هشتم- قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه و محاکم دیگری که تعداد آن توسط قانون تعیین میگردد.

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی ایست که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی بشمول دولت به صفت مدعی یا مدعی علیه قرار گرفته و در پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود.

هیچ قانون نمیتواند در هیچ حالت قضیه یا ساحه ایرا از دائره صلاحیت قوه قضائیه دولت به نحویکه درین فصل تحدید شده خارج بسازد و بمقام دیگری تفویض کند این حکم مانع تشکیل محاکم عسکری نمیگردد ولی ساحه این نوع محاکم بجرایم مربوط باردوی افغانستان منحصر میباشد. تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم میشود.

ماده نود و نهم- قضات به پیشنهاد قاضی القضاات از طرف پادشاه تعیین میگرددند. هرگاه یکنفر قاضی مرتکب جرمی شود ستره محکمه به حالت قاضی رسیدگی کرده بعد از استماع دفاع او پیشنهاد عزلش را به پادشاه تقدیم کرده میتواند در

صورتیکه پیشنهاد مذکور از طرف پادشاه تائید گردد قاضی از وظیفه عزل میشود. تبدیل - ترفیع - مواخذه و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه میباشد.

برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد. قضات نمی توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده صدم- در محاکم افغانستان محاکمه بصورت علنی اجراء میشود و هر کس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد. محکمه میتواند در حالت استثنائی که در قانون تصریح گردیده باشد جلسات سری دائر کنند. ولی اعلام حکم باید بهر حال علناً صورت بگیرد.

محاکم مکلف اند اسباب حکمی را که صادر میکنند در فیصله خود ذکر نمایند.

ماده یکصد و یکم- تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم بمرگ شخص که تعمیل حکم محکمه مشروط به توشیح پادشاه میباشد.

ماده یکصد و دوم- محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق میکنند. هرگاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودیکه این قانون اساسی وضع نموده در چنین احوال حکمی صادر میکنند که در نظرشان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید.

ماده یکصد و سوم- تحقیق جرایم از طرف مدعی العموم که جزء قوه اجرائیه دولت است مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.

ماده یکصد و چهارم- با رعایت احکام این قانون اساسی قواعد مربوط به تشکیلات، و اجراءات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم میگردد. هدف عمده این قوانین توحید مرافق قضائی و توحید تشکیلات، صلاحیت و طرز العمل محاکمه میباشد.

ماده یکصد و پنجم- ستره محکمه مرکبست از نه عضو که از طرف پادشاه تعیین میشود.

پادشاه اعضای ستره محکمه را از بین اشخاص تعیین میکند که دارای اوصاف ذیل باشند:

۱- سی و پنج سالگی را تکمیل کرده باشد.

۲- اهلیت انتخاب شدن بعضویت شوری را مطابق به حکم ماده چهل و ششم داشته باشد.

۳- از علم حقوق - اهداف ملی - حقوق و نظام حقوقی افغانستان آگاهی کافی داشته باشد.

پادشاه یکنفر از جمله اعضای ستره محکمه را که سن آن از چهل کمتر و از شصت زیادت نداشته باشد به حیث قاضی القضاات تعیین می نماید.

پادشاه میتواند بر تعیین قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه بعد از مرور هر ده سال از تاریخ تعیین شان بوظایف مذکور تجدید بنماید. با رعایت این حکم و حکم ماده یکصد و ششم قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه به هیچ وسیله دیگر از وظیفه شان برطرف نمیشوند.

باستثنای حالت مندرج ماده یکصد و ششم قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از تمام امتیازات مالی دوره خدمت شان مستفید میشوند.

قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه نمیتوانند بعد از ختم دوره خدمت شان رئیس یا اعضای حکومت، عضو شوری یا مامور دولت باشند.

قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه نمیتوانند در مدت تصدی وظیفه و بعد از آن در احزاب سیاسی شمولیت ورزند.

ماده یکصد و ششم- هرگاه بیش از یک ثلث اعضای اولسی جرگه محاکمه قاضی القضاات یا یک یا چند عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام بجرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نماید و جرگه مذکور این تقاضا را باکثریت دو ثلث اعضاء تصویب کند متهم از وظیفه سبکدوش میشود و لویه جرگه برای تعیین هیئت تحقیق دائر میگردد. هرگاه لویه جرگه بعد از مطالعه راپور هیئت باکثریت دو ثلث اعضاء محاکمه متهم را لازم بدانند از بین اعضا یکنفر را جهت اقامه دعوی و هیئتی را مرکب از هشت نفر برای اجرای محاکمه تعیین میکند.

این هیئت تحت ریاست رئیس مشرانو جرگه متهم را مطابق به طرزالعمل محاکمه جزائی که در ستره محکمه تطبیق میگردد محاکمه می نماید و در صورتیکه جرم متهم ثابت شود او را از وظیفه عزل کرده به جزاء محکوم میسازد.

ماده یکصد و هفتم- ستره محکمه مرجع نهایی قضائی افغانستان است.

ستره محکمه تشکیلات و اجراآت محاکم و امور قضائی دولت را مطابق به احکام این قانون اساسی و قوانین تنظیم مینماید.

ستره محکمه تدابیر لازم را جهت تنظیم امور اداری محاکم اتخاذ میکند.

بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاات بمشوره حکومت ترتیب گردیده بعد از موافقه ستره محکمه بحیث یک جزء بودجه دولت توسط حکومت به شوری تقدیم میشود.

تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه میباشد در مورد مامورین و سائر کارکنان اداری قوه قضائیه احکام قوانین مربوط به مامورین و سائر کارکنان اداری دولت نافذ میباشد. ولی تعیین - ترفیع - عزل - مواخذه و تقاعد شان توسط ستره محکمه بر وفق قانون صورت میگیرد.

فصل هشتم

اداره

ماده یکصد و هشتم- اداره افغانستان بر اصل مرکزیت مطابق به احکام این فصل استوار است.

اداره مرکزی بموجب قانون بیک عده واحد های اداری منقسم میگردد که در راس هر کدام آن یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی ولایت است. تعداد، ساحه اجزا و تشکیلات ولایت توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و نهم- در هر ولایت یک ولایت جرگه تشکیل میشود. اعضای ولایت جرگه توسط انتخابات آزاد - عمومی - مستقیم و سری از طرف ساکنین ولایت انتخاب میگردد.

ولایت جرگه یکنفر از اعضای خود را بحیث رئیس انتخاب می نماید.

ولایت جرگه در تأمین اهداف انکشافی دولت بنحویکه در قوانین تصریح میگردد سهم میگیرد. همچنین این جرگه برای بهبود امور انکشاف اوضاع عمومی ولایت به حکومت ولایت مشوره میدهد.

ولایت جرگه وظائف خود را به همکاری حکومت ولایت اجرا مینماید.

برای اعضای ولایت جرگه معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد.

ماده یکصد و دهم- برای تنظیم امور مربوط به اداره محلی قوانین وضع میگردد که در آن اصول مندرج این فصل رعایت میشود.

از جمله اهداف این قوانین تعمیم جرگه ها تا درجه قری و تأمین اشتراک روز افزون آن در اداره محلی میباشد.

ماده یکصد و یازدهم- برای اداره امور شهری شاروالی ها تشکیل میشود. مجالس شاروالی از طریق انتخابات آزاد عمومی مستقیم و سری تاسیس میگردد. با رعایت احکام این فصل امور مربوط به شاروالی ها توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و دوازدهم- وظائف اداره توسط مامورین و سایر کارکنان اداری اجرا میشود.

برای مامورین و سائر کارکنان اداری معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد.

حقوق و وظائف مامورین و سائر کارکنان اداری توسط قانون تنظیم میشود.

فصل نهم

حالت اضطرار

ماده یکصد و سیزدهم- هرگاه به علت حرب، خطر حرب، اغتشاش وخیم یا حالت مماتلی که مملکت را با خطر مواجه سازد حفظ استقلال و حیات ملی از مجری ایکه در قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد حالت اضطرار از طرف پادشاه اعلان میشود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از سه ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت لویه جرگه شرط است.

ماده یکصد و چهاردهم- در حالت اضطرار پادشاه میتواند تمام یا بعضی صلاحیت های شوری را بحکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و پانزدهم- در حالت اضطرار حکومت میتواند بعد از موافقه ستره محکمه تنفیذ احکام ذیل این قانون اساسی را توسط فرامین تقنینی معطل سازد یا بران قیودی وضع نماید:

۱- حکم فقره اول ماده بیست و هشتم

۲- حکم فقره سوم ماده بیست و نهم

۳- حکم فقره دوم ماده سیم

۴- حکم فقره اول ماده سی و دوم

۵- حکم فقره اول ماده سی و سوم

ماده یکصد و شانزدهم- در حالت اضطرار پادشاه میتواند پایتخت را به محل دیگری غیر از شهر کابل موقتاً انتقال دهد.

ماده یکصد و هفدهم- هرگاه دوره تقنینیه اولسی جرگه یا دوره خدمت یک قسمت از اعضای مشرانو جرگه در اثنای حالت اضطرار ختم شود پادشاه میتواند اجرای انتخابات جدید را ملتوی بگذارد و دوره تقنینیه اولسی جرگه یا دوره خدمت اعضای مذکور مشرانو جرگه را تا ختم اضطرار تمدید دهد. بعد از ختم حالت اضطرار بلافاصله انتخابات اجرا میگردد.

ماده یکصد و هژدهم- در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمیشود.

ماده یکصد و نوزدهم- در ختم حالت اضطرار اقداماتیکه بر اساس ماده یکصد و پانزدهم بعمل آمده بلافاصله از اعتبار ساقط میشود.

اقداماتیکه بر اساس حکم ماده یکصد و چاردهم از طرف حکومت بعمل آمده در مدت یک ماه از تاریخ شدن نخستین جلسه شوری بعد از ختم حالت اضطرار به شوری ارائه میشود و در صورتیکه شوری آنرا رد کند از اعتبار ساقط میگردد.

هرگاه در حالت اضطرار حکومتی تشکیل شده باشد که در اثر تطبیق ماده یکصد و چاردهم رای اعتماد اولسی جرگه را حاصل نکرده باشد موضوع رای اعتماد بر حکومت بلافاصله بعد از ختم حالت اضطرار در اولسی جرگه مورد مباحثه قرار گرفته راجع به آن تصمیم اتخاذ میشود.

فصل دهم

تعدیل

ماده یکصد و بیستم- اصل پیروزی از اساسات اسلام - اساس پادشاهی مشروطه مطابق به احکام این قانون اساسی و ارزش های مندرج ماده هشتم تعدیل نمیشود.

تعدیل دیگر محتویات قانون اساسی به پیشنهاد مجلس وزراء یا یک ثلث از اعضای اولسی جرگه یا مشرانو جرگه مطابق به احکام این فصل صورت میگیرد.

ماده یکصد و بیست و یکم- پیشنهاد تعدیل را لویه جرگه مطالعه میکند و در صورتیکه اکثریت اعضای آن ضرورت تعدیل را تصویب کند هیئتی از بین اعضاء جهت تهیه طرح تعدیل تعیین مینماید این هیئت طرح تعدیل را به مشوره مجلس وزراء و ستره محکمه تهیه نموده به لویه جرگه تقدیم میکند.

هرگاه لویه جرگه با اکثریت اعضاء طرح تعدیل را تصویب کند طرح به پادشاه تقدیم میشود پادشاه شوری را منحل ساخته طرح تعدیل را باطلاع عامه میرساند و تاریخ انتخابات مجدد را اعلام میکند. انتخابات مجدد در خلال چار ماه از تاریخ انحلال شوری انجام می یابد.

ماده یکصد و بیست و دوم- به تعقیب افتتاح شوری و تشکیل حکومت پادشاه لویه جرگه را دائر میکند. لویه جرگه طرح تعدیل را مطالعه کرده متن آنرا قبول یا رد مینماید. تصویب لویه جرگه درین مورد به اکثریت دو ثلث اعضاء اتخاذ میشود بعد از توشیح پادشاه نافذ میگردد.

فصل یازدهم

احکام انتقالی

ماده یکصد و بیست و سوم- با رعایت محتویات این فصل، احکام این قانون اساسی از تاریخ توشیح و اعلام از طرف پادشاه نافذ میگردد.

ماده یکصد و بیست و چهارم- بعد از آنکه پادشاه این قانون اساسی را اعلام نماید مجلسین شوری ملی و اعیان منحل شناخته میشود.

ماده یکصد و بیست و پنجم- شوری جدید روز بیست و دوم میزان ۱۳۴۴ هجری شمسی افتتاح میگردد.

مدت بین تاریخ اعلام این قانون اساسی و افتتاح شوری جدید دوره انتقال شمرده میشود.

در دوره انتقال صلاحیت شوری به حکومت تفویض میگردد.

فرامین تقنینی ایکه در خلال دوره انتقال بر وفق احکام این فصل صادر میگردد مطابق به احکام ماده هفتاد و هفتم به شوری ارائه میشود.

اگر در اثنای دوره انتقال یکی از حالاتی ظهور نماید که بر طبق احکام این قانون اساسی وجود لویه جرگه را ایجاب میکند مجلسین منحل شده شوری ملی و اعیان دعوت گردیده لویه جرگه بر طبق ماده هفتاد و هشتم دائر میشود چون در موقع ظهور یکی از حالات مذکور هنوز جرگه های ولایات بوجود نیامده لویه جرگه بدون وجود روسای جرگه های ولایات تشکیل میگردد.

ماده یکصد و بیست و ششم- در دوره انتقال از جمله وظائف حکومت است که:

۱- فرامین تقنینی مربوط به انتخابات تشکیلات، اساسی، مطبوعات و تشکیلات و صلاحیت قضائی را ترتیب نموده به پادشاه جهت توشیح تقدیم میکند.

۲- مسوده قوانین مربوط به احزاب سیاسی و جرگه های ولایات را تهیه نموده به شوری ایکه بعد از ختم دوره انتقال دائر میگردد، تقدیم کند.

۳- تدابیر لازم را جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی اتخاذ نماید.

ماده یکصد و بیست و هفتم- ستره محکمه روز بیست و دوم میزان ۱۳۴۶ هجری شمسی تشکیل میگردد.

هرگاه در اثنای دوره انتقالی به تطبیق مواد پانزدهم - هفدهم - نوزدهم - بیست و یکم - بیست و دوم و یکصد و پانزدهم این قانون اساسی ضرورت بیفتد - احکام مواد مذکور بدون شمول ستره محکمه یا قاضی القضاات تطبیق میگردد.

در مدت بین تاریخ نفاذ این قانون اساسی و تشکیل ستره محکمه پادشاه صلاحیت دارد بمنظور تأمین اجرای وظائف ستره محکمه تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده یکصد و بیست و هشتم- قوانینیکه قبل از تاریخ انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده میشود که مناقض احکام این قانون اساسی نبوده قوانین جدید آنرا الغاء نکرده باشد.